



محمد فضولی بغدادی

(۱)

نقدی بر جواب استاد محیط طباطبائی در باب فضولی شاعر

صفحه ۲۵۲ شماره سوم سال پنجم خرداد ۲۵۳۵

فضولی و نوع مناسباتش با صفویه

بعضی از محققان بدین نوشته صادقی افشار در مجمع الخواص: «فضولی در خدمت ابراهیم خان به بغداد رفت و چون مشارالیه از مرحوم سلطان سلیمان خواندگار هزیمت یافته بعراق آمد ، فضولی در حله متوطن شد» استناد کرده يك قصیده و يك ترجیع بند را که این شاعر بنام ابراهیم پاشا وزیر اعظم و سردار عثمانی سروده است ، به حاکم صفوی در بغداد یعنی ابراهیم خان نسبت میدهند . در صورتیکه نوشته صادقی اشتباه محض است ، زیرا سلطان سلیمان در ۲۴ جمادی الاول ۹۴۱ هـ ق به بغداد وارد شده است و در آن وقت حاکم صفوی بغداد ، محمد سلطان شرف الدین اوغلو تکلو ملقب به خان محمد بود و ابراهیم خان ۷ سال قبل از این تاریخ در روز ۱۴ رمضان ۹۳۴ موقعی که در ییلاق ماهیدشت بسر میبرد بوسیله برادرزاده اش ذوالفقار بن علی بیک مشهور به نخود سلطان موصلو که در آنوقت حکومت کلهر را داشت به قتل رسیده بود. يك سال بعد از این واقعه ، شاه طهماسب از جانب قم به بغداد حرکت کرد و پس از محاصره آشهر که مدتی بطول انجامید ، علی بیک بکتاش اوغلی نبیره صوفی خلیل موصلو و برادرش احمد بیک ، بر ذوالفقار دست یافته و سر او را در سوم شوال ۹۳۵ بخدمت شاه طهماسب آوردند. بعد از این تاریخ تا حمله سلطان سلیمان به بغداد ، حاکم آنجا محمد خان تکلو بوده است . غده ای

* آقای فیروز منصوری یکی از پژوهشگران ارزشمند معاصر

قصیده معروف فضولی را که مطلعش این است :

بحمدالله والمنة که توفیقات سبحانی
یتوردی منزل مقصوده ابراهیم سلطانی
به ابراهیم خان نسبت میدهند . شاعر در این قصیده ، ابراهیم را با لقب سلطان مدح کرده است .

در سازمان اداری صفویه ، سلطان لقب پائین تر از خان است و امراء از رتبه سلطانی به مقام خانی ملقب و سرفراز می شدند . ولی در سازمان اداری عثمانیها بعد از پاشا بزرگترین مقام سلطان بوده که فضولی ابراهیم پاشا را با لقب سلطان توصیف کرده است . مولف تاریخ پجوی از قول **نشانچی جلال زاده مصطفی چلبی** مینویسد که اختلاف اسکندر پاشا و ابراهیم پاشا در بغداد که منجر به قتل اسکندر پاشا و بعدها استیضاح و عزل ابراهیم پاشا شد ، بر سر این موضوع بود که ابراهیم پاشا در فرمانها خود را سلطان معرفی میکرد در صورتیکه از دیوان علی همچو لقبی بدو مفوض نشده بود .^۱ فضولی در قصیده دیگری باین طبع :

بر دو آنکه چند شام ایله جنگ ایتدی آسمان
اولدی بروج قلعه گردونده چوق قران
ابراهیم پاشا را اینگونه توصیف می کند :

آصف صف زمان سلیمان شرق و غرب
سر عسکر مدبر و پاشای کامران
آلدی قتادی آلتنه گردونی بیضه سان
شهباز همتین آناعرش اولدی آشیان
ابراهیم اولدی آدن ایکان معدلت
بسوقر آتشنی بنه ایله گلستان
و اما در ترجیع بند :

آچادی غنچه طوماری و معلوم اولدی مضمونی

بودر کیم فوت قیلماک موسم گل جام گلگونسی

فضولی فقط از اوصاف خان صحبت میدارد . در بند دوم چنین میگوید :

چو دیر لر جنت ایچره آتش اولمز بو عجبدر کیم
جهانی رشک گازار خلیل ایدن بهار ایمش
گلستان آتشین گل برله ، رشک باغ جنت در
بوفیض بزم ابراهیم ، خسان پساک سیرت در
دو بند چهارم :

میان اوچه دهان پر زار ایتسه هیچ عیب اولمز
هوای سیزه زیان ترا اگر قیاسه یری در کیم
که مدح خان قان قدر در غنچه دهانده
ثنای خسان خیر انجام در سیزه زیساننده
دو بند پنجم :

چاقا اردی سیزه گل خاکدان چوق لعل و فیروزه

ولی یوز شکر کیم خان خاک پاینه نثار اولدی

بنابر این در تمام بندها از خان تعریف میکنند ، اگر در بیت بند دوم :

جهانی رشك گلزار خلیل ایدن بهار ایش بوفیض بزم ابراهیم ، شان پالشسیرت در کلمه ابراهیم بکار رفته است منظور ابراهیم خان حاکم بغداد نبوده بلکه ابراهیم مصرع دوم عطف بیان است به خلیل مصرع اول که منظور گلستان ابراهیم خلیل الله را میرساند .

دومین مطلبی که درباره رابطه فضولی با صفویه مورد بحث محققین قرار گرفته است ، منظومه بنگ و باده این شاعر است که گویا به شاه اسمعیل تقدیم کرده است . ولی این منظومه مطلب و مفهومی ندارد که بشاه اسمعیل تقدیم شود . شاعر در مقدمه دامتان بندی بعنوان : «باشد این مدح شاه اسمعیل» نوشته و پس از چند بیت ساقی نامه ، بند را بدین دوبیت خاتمه میدهد :

مجلس افروز بزمگاه خلیل جم ایام شاه اسمعیل
آندن آسوده در غنی و گدا خلدالله ملکه ابدا

این مثنوی بطرز مشاجره تنظیم یافته که بنگ و باده به همدیگر می‌تازند و رجز می‌خوانند و هجو و هذیان به همدیگر نثار می‌کنند. آقای جا کا بچیر ، دانشجوی چکوسلواکی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران ، در مقاله خود می‌نویسد : «بعضی از محققان می‌گویند که این هجوسیاسی است و در آن شاعر ، سلطان سلیم عثمانی و شاه اسمعیل صفوی را استهزا می‌کند» همین موضوع را نگارنده در کتاب خطی «انقلاب اسلام» هم خوانده‌ام مولف در صفحه ۶۰۱ کتاب فوق ، از حدیقه السعداء فضولی بحث می‌کند و ضمناً تذکر میدهد که منظومه بنگ و باده کنایه از شاه اسمعیل و سلطان سلیم است .^۲

خلاصه ، در نوشته های ترکی و فارسی فضولی ، نمونه‌ای پیدا نمی‌شود که روابط و مناسبات او را با صفویه نشان دهد . برعکس این شاعر مداح عثمانیان بوده و علیه مصالح صفویه و منافع ملی ایران اشعاری سروده که در سرتاسر دیوانهای ترکی و فارسی او مندرج است . اینک نمونه‌هایی از آن :

بررسی دیوان فارسی^۳

نخستین قصیده این دیوان بنام انیس القلب در مدح سلطان سلیمان قانونی سروده شده و بدو اهداء گردیده است :

انیس القلب کردم نام این محبوب و می‌خواهم که هر ساعت دهم از بزم اهل فهم جولانش
میسرکن که شمع محفل اهل نظر گردد ندارم بیش از این در پرده تضحیح پنهانش
بدمت با کبازان امانت پیشه بسپارم فرستم سوی دارالعدل روم از ملک ایرانش
بامیدی که در عالم ستانی و جهانگیری رسد تأثیر فتح از دولت سلطان سلیماننش